

هریوا
(مجله مطالعات حقوق و علوم سیاسی)

Website: <https://journals.edu.gov.af>

ناشر: پوهنتون هریوا

بررسی جرم شناختی نقش مجنی علیه در وقوع جرایم شرعی با تأکید بر حد زنا، قذف و سرقت

نگارنده: پوهنمل عبدالقدیر ندائی^۱

چکیده

یکی از تحقیق حاضر با عنوان «بررسی جرم شناختی نقش مجنی علیه در وقوع جرایم شرعی با تأکید بر حد زنا، قذف و سرقت» به بررسی علمی و جرم شناختی سهم مجنی علیه در فرایند ارتکاب جرایم شرعی، از جمله حد زنا، قذف و سرقت، می پردازد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که برخلاف رویکرد سنتی که مجنی علیه را صرفاً قربانی منفعل می دانست، مطالعات نوین جرم شناسی به نقش مستقیم و غیرمستقیم مجنی علیه در وقوع جرم توجه داشته و اذعان می دارند که در بسیاری از موارد، مجنی علیه در تحقق جرم نقش فعال ایفا می کند. بر این اساس، مسئله تحقیق حاضر آن است که چگونگی نقش مجنی علیه و میزان تأثیرگذاری آن در ارتکاب جرایم شرعی، به ویژه در حدود مذکور، مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که نقش مجنی علیه در وقوع جرایم شرعی، از جمله حد زنا، قذف و سرقت، از منظر جرم شناختی چیست. هدف تحقیق نیز تحلیل و تبیین جرم شناختی نقش مجنی علیه در وقوع این جرایم می باشد. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و تحلیل اسنادی انجام گرفته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که مجنی علیه در مواردی مانند تحریک، بی احتیاطی، تسهیل گری و انتخاب سبک زندگی پرخطر، نقش مؤثری در ارتکاب جرم ایفا می کند و نظریات نوین جرم شناسی از قبیل نظریه مجنی علیه شناسی، سبک زندگی، فعالیت روزمره، انتخاب عقلانی، تعامل متقابل و نظریه مجنی علیه قرار گرفتن متقابل، مؤید این مدعا می باشند.

واژه گان کلیدی: حد، جرم شناختی، زنا، سرقت، قذف و مجنی علیه.

۱- آمر و استاد دیپارتمنت حقوق جزا و علوم جنایی، پوهنهی حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون هرات.

Criminological Study of the Role of the Victim in the Occurrence of Sharia Crimes with Emphasis on the Adultery, Defamation, and Theft

Author: Senior teaching assistant Abdul Qadeer Nadei*

Abstract

The present research, entitled "Criminological Study of the Role of the Victim in the Occurrence of Sharia Crimes with Emphasis on the Adultery, Defamation, and Theft," examines scientifically and criminologically the contribution of the victim in the process of committing Sharia-based crimes, particularly regarding the zina (adultery), qadhaf (false accusation of adultery), and theft. The importance of this topic lies in the fact that, contrary to the traditional view that regarded the victim as merely a passive sufferer, modern criminological studies highlight the direct and indirect roles of the victim in the occurrence of crime and recognize that, in many instances, the victim plays an active role in the commission of the offense. Therefore, the main issue of this study is to determine how and to what extent the victim influences the occurrence of Sharia crimes, especially the aforementioned hudud. The research seeks to answer the following question: What is the criminological role of the victim in the occurrence of Sharia crimes such as zina (adultery), qadhaf (false accusation of adultery), and theft? The objective of this study is to analyze and explain, from a criminological perspective, the victim's role in the commission of these Sharia crimes. This research employs a descriptive-analytical method, relying on library resources and document analysis. The findings indicate that the victim, in cases such as provocation, negligence, facilitation, and adopting a high-risk lifestyle, plays a significant role in the commission of crimes. Moreover, contemporary criminological theories including victimology, lifestyle theory, routine activity theory, rational choice theory, mutual interaction theory, and reciprocal victim-offender relationship theory support this conclusion.

Keywords: Hudud, Criminological, Zina (Adultery), Theft, Qadhaf (false accusation of adultery), Victim.



Received: ۲۰۲۵/۰۱/۰۲

Published: ۲۰۲۶/۰۳/۰۱

Number of Pages: ۲

Hariwa University (Research and Scientific Journal)



* - Head of the Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Herat University.

Email: abqadeernadei@hu.edu.af

۱. مقدمه

در نظام‌های جزایی سنتی، مجنی علیه همواره به عنوان عنصری منفعل در فرآیند جرم‌انگاری و تعقیب جزایی تلقی می‌شد و نقش او تنها به موقعیت زیان‌دیده از جرم محدود می‌گردید. با این حال، در دهه‌های اخیر و با گسترش حوزه مجنی علیه‌شناسی علمی، نگرش تازه‌ای به رفتار، شرایط اجتماعی، روانی و حتی سبک زندگی مجنی علیه شکل گرفته است. در پرتو این تحول نظری، مجنی علیه دیگر صرفاً یک قربانی خاموش نیست، بلکه می‌تواند یکی از عناصر مؤثر در تسهیل وقوع جرم تلقی گردد. این دیدگاه به‌ویژه در جرایم مستوجب حد مانند زنا، قذف و سرقت اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا این جرایم دارای بار شدید دینی، اخلاقی و اجتماعی هستند و بررسی تأثیر متقابل کنش‌های مجنی علیه بر تحقق آن‌ها می‌تواند در شفاف‌سازی فرآیند جرم و تعیین نوع مجازات مؤثر واقع شود.

اهمیت این تحقیق از آن جهت است که در متون فقهی و حقوقی افغانستان، با وجود تأکید بر مجازات مرتکب، در مواردی نقش و تقصیر احتمالی مجنی علیه نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، در سرقت‌هایی که اموال در حرز نگهداری نشده باشند یا در زناهایی که مجنی علیه با رفتارهای تحریک‌آمیز نقش غیرمستقیم ایفا کرده باشد، قانون‌گذار واکنش جزایی خفیف‌تری پیش‌بینی نموده است. این تحقیق می‌کوشد تا با بررسی منابع فقهی، قانونی و جرم‌شناسی نوین، سهم واقعی مجنی علیه در ارتکاب این دسته از جرایم را تبیین کند.

هدف اصلی تحقیق آن است که به این پرسش پاسخ دهد: «چه سهمی می‌توان برای مجنی علیه در تحقق جرایم مستوجب حد قائل شد و این نقش چگونه در میزان یا نوع مجازات مؤثر است؟» در پاسخ به این پرسش، فرضیه‌ای مطرح می‌گردد مبنی بر این که: «شرایط فردی، رفتاری و اجتماعی مجنی علیه در وقوع برخی جرایم مستوجب حد، نقش تسهیل‌گر داشته و می‌تواند زمینه ارتکاب جرم را برای مرتکب فراهم کند».

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. داده‌ها از منابع فقهی، قوانین جزایی افغانستان، کتب مجنی علیه‌شناسی و نظریات جرم‌شناختی به‌دست آمده و با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شده‌اند.

در خصوص این موضوع، تحقیقات مستقلی انجام نشده و تنها در برخی کتب و مقالات به صورت پراکنده بیان شده است. از جمله، حسین میرمحمدصادقی در کتاب «حقوق جزای اسلامی (جرائم و مجازات‌ها)» (۱۳۹۶) به بررسی ارکان جرایم حدی، شرایط تحقق جرم و نقش شکایت مجنی علیه در حد قذف پرداخته است؛ اما نقش رفتاری و موقعیتی مجنی علیه در وقوع جرم به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا تحقیق حاضر، نقش مجنی علیه را در مرحله وقوع و زمینه سازی جرم تحلیل می کند، نه صرفاً در تعقیب جزایی مجرم.

علی حسین نجفی ابرندآبادی در کتاب «مجنی علیه شناسی» (۱۳۸۱) به تبیین نقش مجنی علیه در فرآیند مجرمیت و تأثیر رفتار او بر وقوع جرم پرداخته است، اما تمرکز بر جرایم عرفی و تعزیری بوده و جرایم حدی به دلیل ماهیت شرعی بررسی نشده اند. تحقیق حاضر نظریات مجنی علیه شناسی را در چارچوب جرایم حدی (زنا و قذف) تطبیق می دهد. همچنین، محمدعلی اردبیلی در کتاب «حقوق جزای عمومی» (۱۳۹۵) مفاهیم جرم، مجنی علیه، رابطه مجرم و مجنی علیه و نقش عوامل انسانی در تحقق جرم را تحلیل کرده، ولی جرایم حدی و نقش خاص مجنی علیه در آن‌ها را به طور اختصاصی مورد بررسی قرار نداده است. پرویز صانعی در کتاب «حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه اشخاص)» (۱۳۸۲) به بررسی جرایم جنسی و شرایط تحقق آن‌ها پرداخته، اما جرایم حدی به ویژه زنا و قذف به صورت محدود و غیرتحلیلی بررسی شده اند. همچنین، محمد آشوری در کتاب «بزه دیده و جایگاه آن در سیاست جنایی» (۱۳۸۶) به جایگاه مجنی علیه در نظام عدالت جزایی و تأثیر او در سیاست جنایی پرداخته است. تحقیق حاضر به صورت ویژه به نقش و جایگاه مجنی علیه در جرایم حدی از منظر جرم شناسی نوین می پردازد.

یافته های این تحقیق نشان می دهد که مجنی علیه، به ویژه در جرایم زنا و سرقت، در صورتی که مرتکب رفتارهایی چون بی احتیاطی، تحریک، اعتماد بی جا یا تسهیل ارتکاب جرم شود، نه تنها نقش مؤثری در شکل گیری جرم دارد، بلکه در برخی موارد، این رفتارها در تخفیف یا تغییر نوع مجازات مرتکب نیز مؤثر واقع می گردند. بنابراین، نگاه یک جانبه به فاعل جرم، بدون تحلیل سهم مجنی علیه،

نمی تواند تصویری جامع از واقعیت های جزایی ارائه دهد. این تحقیق گامی در جهت شناخت دقیق تر تعامل میان مجرم و مجنی علیه در جرایم مستوجب حد در نظام جزایی افغانستان است.

۲. مفاهیم اساسی

در این بخش، پیش از ورود به مباحث اصلی، مفاهیم اساسی مطروحه در این تحقیق، از قبیل تعریف جرم، مجنی علیه، حد، زنا، قذف و سرقت، مورد بررسی قرار می گیرند.

۱-۲. جرم

جرم واژه ای عربی است و در لغت به معنای گناه، اشتباه، کسب و ارتکاب عمل زشت و ناپسند می باشد. در لغت، جرم به معنای گناه، خطا، عصیان، کار ناپسند و نافرمانی آمده است (معین، ۱۳۸۴: ۲۸). واژه جرم، اسم است و جمع آن «جرائم» می باشد و در زبان فارسی، جرم در لغت به معنای گناه و بزه آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ۴۶).

در لغت نامه دهخدا، جرم به معنای گناه، خطا، ذنب، تعدی، عصیان، اثم و مانند آن تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۷۲۴). جرم در اصل به معنای جدا کردن میوه از درخت است و این واژه برای اکتساب هر کار ناپسندی استعاره شده است. در قاموس قرآن کریم نیز آمده است که جرم در لغت به معنی قطع است (راغب اصفهانی، بی تا: ۸۹).

یکی از واژگان مترادف با جرم، «اثم» است و واژه دیگر «خطا» می باشد که به معنای دوری از مسیر مستقیم است (قریشی، ۱۴۱۲: ۲۸).

جرم در اصطلاح حقوق جزا عبارت است از رفتاری مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی قرار می دهد. به عبارت دیگر، جرم رفتاری مجرمانه است که با ارتکاب آن شخص مطابق حکم شرع یا قانون، مستحق مجازات می گردد. از این جهت، اطلاق جرم بالای رفتار مخالف نظم اجتماعی یک انسان علیه جامعه صحیح است.

از دیدگاه شریعت اسلامی، جرم عبارت است از محظورات یا منهیات شرعی که خداوند مرتکب آن ها را با حد یا تعزیر مجازات می کند. لذا جرم عبارت از فعل یا ترک فعلی است که شرعاً مجازات دارد (عوده، ۱۳۹۰، جلد ۱: ۱۰۶).

جرم عبارت است از تجلی خطاکارانه اراده شخص بر خلاف حق که قانون برای آن جزا تعیین کرده است. در این تعریف علاوه بر عنصر قانونی و مادی، عنصر روانی نیز منظور گردیده است (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

کد جزای پیشین افغانستان در ماده ۲۷ خود، جرم را چنین تعریف می‌کند: «جرم ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد» (کد جزای پیشین افغانستان، ۱۳۹۶: ماده ۲۷).

۲-۲. مجنی‌علیه

واژه مجنی‌علیه در انگلیسی معادل (Victim) است و در زبان عربی از اصطلاحاتی مانند مجنی‌علیه، متضرر، مضرور و ضحیه استفاده می‌شود. مجنی‌علیه به معنای قربانی جرم است؛ کسی که جرم علیه او واقع شده و دچار آسیب‌های مادی، جسمی، معنوی یا روحی شده است. به عبارت دیگر، مجنی‌علیه شخصی است که در پی ارتکاب جرم، زیان و آسیب می‌بیند (حکیمی، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

مطابق این تعریف، فرد می‌تواند در مراحل کشف، تحقیق مقدماتی یا حین رسیدگی قضایی به‌عنوان مجنی‌علیه یا متضرر شناخته شود. صدمه مادی عبارت است از محرومیت شخص از استفاده دارایی‌های مادی خود در اثر ارتکاب جرم؛ صدمه اخلاقی شامل خدشه‌دار شدن حیثیت و آبروی فرد در جامعه است؛ صدمه جسمانی به وارد شدن آسیب یا جراحت جسمی گفته می‌شود؛ و صدمه معنوی شامل لطمه به کرامت انسانی و حیثیت فرد به دلیل رنج و تشویش ناشی از جرم است.

بر اساس کد جزای پیشین افغانستان، مجنی‌علیه شخصی است که به اثر ارتکاب جرم، صدمه یا ضرر جسمی، مادی یا معنوی عاید او شده باشد (قانون اجراآت جزایی، ۱۳۹۳: بند ۱۳، ماده ۴).

۲-۳. حد

حد در لغت به معنای مرز، پایان، خاتمه و دفع آمده است و از قاموس صحاح به معنای «دفع و منع» استخراج شده است (محقق داماد، ۱۳۹۰: ۶۴). در اصطلاح فقهی، حد مجازاتی است که از جانب خداوند برای رعایت حق‌الله تعیین شده است (عوده، ۱۳۹۰، جلد ۴: ۱۲).

حد مجازاتی است که به موجب نص شرعی برای برخی جرایم معین شده و میزان و نوع آن توسط شارع تعیین گردیده و حاکم حق تغییر آن را ندارد (الزحیلی، ۱۹۹۸: ۴۳۵). لفظ «حد» هم برای جرایم حدودی و هم برای مجازات آن‌ها به کار می‌رود؛ بنابراین گفته می‌شود جانی مرتکب حد گردیده است و نیز گفته می‌شود مجازات آن، حد است.

از منظر فقه اهل سنت، جرایم حدی هفت نوع هستند: زنا، قذف، شرب خمر، سرقت، محاربه، ارتداد و بغی (عوده، ۱۳۹۰، جلد ۴: ۱۳-۱۱).

۴-۲. حد زنا

زنا در لغت به معنای مقاربت نامشروع و بدون عقد شرعی آمده است. از نظر امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) زنا عبارت است از: «وطی کردن مرد در فرج زنی که در آن جا نه ملکیت یمین و نه ملکیت نکاح و نه شبهه ملکیت یمین و نه شبهه ملکیت نکاح باشد» (نذیر، ۱۳۸۹: ۴۶).

در ماده ۶۴۳ کد جزای پیشین افغانستان، زنا چنین تعریف شده است: «زنا عبارت از مقاربت جنسی زن و مردی است که بین آن‌ها رابط زوجیت موجود نباشد» (کد جزای پیشین افغانستان، ۱۳۹۶: ماده ۶۴۳).

۵-۲. حد قذف

قذف در لغت به معنای افکندن، انداختن، متهم کردن زن عقیفه و دشنام دادن است (فیض، ۱۳۶۸: ۶۲). در ماده ۶۷۳ کد جزای افغانستان، قذف چنین تعریف شده است: «قذف عبارت است از نسبت دادن ارتکاب فعل زنا یا نفی نسب به شخص توسط یکی از وسایل علنی، به نحوی که اگر صدق می‌داشت، شخصی که تهمت به او نسبت داده شده، به جزا محکوم می‌گردید یا نزد مردم تحقیر می‌شد» (کد جزای افغانستان، ۱۳۹۶: فقره ۱، ماده ۶۷۳).

۶-۲. حد سرقت

سرقت از ماده «سرق» در عربی گرفته شده و به معنای دزدیدن است. سرقت به معنای گرفتن شیء به‌طور پنهان است (منصوری و طاهری، ۱۳۹۸: ۵). در ترمینولوژی حقوق، سرقت چنین تعریف شده است: «ربودن مال و اشیای منقول غیر بدون رضایت مالک و برخلاف حق» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۵۶).

در کد جزای پیشین افغانستان، سرقت چنین تعریف شده است: «گرفتن مال منقول ملکیت غیر بدون رضایت به مقصد تملک» (کد جزای پیشین افغانستان، ۱۳۹۶: ماده ۶۹۹).

۳. امکان سنجی نقش مجنی علیه در وقوع حد زنا، قذف و سرقت

با توجه به بررسی های حقوقی و جرم شناختی، مجنی علیه می تواند در وقوع جرایم، از جمله جرایم شرعی و تعزیری نقش داشته باشد. از آن جا که تمرکز این مقاله بر حد زنا، قذف و سرقت است، نقش مجنی علیه ابتدا به طور عمومی و سپس بر اساس نظریه های جرم شناسی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۳. نقش مجنی علیه در وقوع حد زنا

برخی افراد به دلیل ویژگی های شخصیتی و جذابیت خاص، مجنی علیه بالقوه نامیده می شوند و می توانند به عنوان یکی از عوامل اصلی وقوع جرم شناخته شوند. هتیک، منش و شخصیت مجنی علیه و رابطه او با مرتکب، اوضاع و احوال موجود در آستانه ارتکاب جرم را بررسی کرده است. به اعتقاد وی، مجنی علیه جرایم جنسی، از جمله زنا، می تواند در ارتکاب این عمل مجرمانه مؤثر باشد. گرچه قاضی در پرتو قوانین جزایی موفق به تفکیک قانونی می شود، اما تحلیل چگونگی تکوین وضعیت منجر به ارتکاب جرم نشان می دهد که در بسیاری موارد، مجنی علیه به طور ضمنی رضایت، همکاری، توطئه یا تحریک مرتکب را فراهم کرده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱).

در ادبیات جرم شناسی دو دیدگاه درباره نقش مجنی علیه در وقوع تجاوز جنسی مطرح است:

۱. دیدگاه نخست بر نقش مجنی علیه در فرآیند ارتکاب جرم، به ویژه در وضعیت های خاص، تمرکز دارد (گودرزی، ۱۳۷۹: ۳۰).

۲. دیدگاه دوم بر مسئولیت قربانی جرم در پیدایش جرم تأکید دارد. استفان اسکافر معتقد است برخی مجنی علیه ها می توانند محرک و مشوق مجرمان باشند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۸: ۸۸).

۲-۳. نقش مجنی علیه در وقوع حد قذف

ثبوت حد قذف منوط به ویژگی های مجنی علیه است. قذف زمانی موجب حد می شود که قذف شونده بالغ، عاقل، مسلمان، معین و غیر متظاهر به زنا یا لواط باشد. اگر مجنی علیه فاقد یکی از اوصاف باشد، قذف کننده مشمول حد نمی شود و تعزیر برای او اعمال می گردد.

آگاهی از وضعیت مجنی علیه، رابطه او با مجرم و آشنایی قبلی آنان می تواند در تعامل پویای آنان و تسریع فرآیند قذف نقش مؤثر داشته باشد (شاهیده، ۱۳۹۳: ۶۰). گفتار تحریک آمیز مجنی علیه نیز می تواند عاملی برای برانگیختن مرتکب باشد و برخی حقوق دانان معتقدند که در این صورت، تخفیف یا معافیت مجازات برای فرد تحریک شده قابل توجیه است (شاهیده، ۱۳۹۳: ۶۱). با این حال، اگر تمامی شرایط حد قاذف برقرار باشد، نقش مجنی علیه تأثیری بر سقوط حد ندارد.

۳-۳. نقش مجنی علیه در وقوع حد سرقت

سرقت یکی از جرایم مستوجب حد است که از منظر مجنی علیه شناسی علمی قابل تحلیل است. در سیاست جنایی اسلام، علاوه بر تأکید بر حفظ اموال، به نقش مجنی علیه در وقوع جرم توجه شده است. نخستین توجه به مسئولیت مجنی علیه در حد سرقت به سال ۱۹۲۶ و به وسیله آلن بازمی گردد که معتقد بود برخی مال باختگان به خاطر سهل انگاری خود مستحق سرزنش اند، گرچه به صراحت از مجنی علیه شناسی سخن نگفت (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۷۴).

بر اساس این رویکرد، کسانی که در نگهداری از اموال خود کوتاهی می کنند، در فرآیند وقوع جرم نقش دارند و در نتیجه حمایت جزایی کمتری می طلبند. این موضوع می تواند باعث تخفیف مجازات یا تغییر عنوان سرقت از حدی به تعزیری شود (گودرزی، ۱۳۷۹: ۳۰).

نظریه اسکافر نیز بیان می کند برخی قربانیان با بی احتیاطی یا تحریک مجرم، نقش فعالی در بروز جرم دارند (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳: ۸۸). اگر قربانی یا اموالش در معرض ارتکاب جرم باشند و اقدامات محافظتی لازم صورت نگرفته باشد، این امر امکان و انگیزه ارتکاب جرم را برای مجرم تسهیل می کند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۷۲).

۴. نظریه های مجنی علیه مدار جرم شناسی در خصوص حد زنا، قذف و سرقت

برخی نظریه های جرم شناسی بر نقش مجنی علیه در وقوع جرایم تأکید دارند و معتقدند که مجنی علیه، به طور عمدی یا در اثر بی احتیاطی، بی مبالاتی یا غفلت، گاهی زمینه ساز وقوع جرم علیه خود می شود. این نظریه ها عبارت اند از: نظریه مجنی علیه شناسی سنتی، نظریه تعامل متقابل، نظریه سبک زندگی،

نظریه فعالیت روزمره، نظریه انتخاب عقلانی و نظریه مجنی علیه قرار گرفتن متقابل. در ادامه، این نظریه‌ها با تأکید بر جرایم حدی (زنا، قذف و سرقت) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۱. نظریه مجنی علیه‌شناسی سنتی

نظریه مجنی علیه‌شناسی سنتی یکی از نخستین نظریه‌ها در حوزه مجنی علیه‌شناسی است که از دهه ۱۹۴۰ میلادی، به‌ویژه با تحقیقات «هانس فن هتینگ» و «بنیامین مندلسون»، شکل گرفت. در این نظریه، تمرکز اصلی بر نقش و سهم مجنی علیه در ارتکاب جرم است؛ به این معنا که مجنی علیه نه صرفاً عنصر منفعل، بلکه عاملی فعال در فرآیند مجنی علیه واقع شدن شناخته می‌شود.

به باور مجنی علیه‌شناسی سنتی، میان مجرم و مجنی علیه نوعی رابطه متقابل وجود دارد و در بسیاری موارد، رفتار مجنی علیه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در وقوع جرم نقش دارد. با این حال، این نظریه با نقد مواجه شد، زیرا ممکن است مجنی علیه را سرزنش کند و از عوامل ساختاری و اجتماعی جرم غفلت نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

طبق این نظریه، مجنی علیه می‌تواند در جرایم حدی نقش داشته باشد. به‌عنوان مثال:

✧ **حد زنا:** سهل‌انگاری اخلاقی یا روابط نامشروع مقدماتی مجنی علیه ممکن است موقعیت را برای ارتکاب جرم فراهم سازد.

✧ **حد قذف:** رفتار تحریک‌آمیز یا حضور در موقعیت‌های مبهم می‌تواند زمینه نسبت ناروا را ایجاد کند.

✧ **حد سرقت:** بی‌احتیاطی در نگهداری مال یا بی‌توجهی به هشدارهای امنیتی، احتمال مجنی علیه واقع شدن را افزایش می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۱).

۴-۲. نظریه تعامل متقابل

بر اساس نظریه ماروین ولف گانگ، میان رفتار مجنی علیه و مجرم رابطه‌ای متقابل وجود دارد. گاهی مجنی علیه با گفتار یا عمل خود، تحریک‌کننده رفتار مجرمانه است (فرج‌الهی، ۱۳۹۵: ۶۳).

در جرایم حدی، این نظریه به شکل زیر قابل تحلیل است:

✧ **حد زنا:** تحریک رفتاری یا پوشش غیرمتعارف ممکن است عامل زمینه‌ساز جرم شناخته شود.

✧ **حد قذف:** توهین یا شایعه پراکنی مجنی علیه می تواند دیگران را به پاسخ لفظی شدید (قذف) وادارد.

✧ **حد سرقت:** اعتماد بی جا یا مشارکت غیررسمی با سارق می تواند نقش مجنی علیه را از انفعالی به فعال تغییر دهد.

۳-۴. نظریه سبک زندگی

این نظریه توسط گادفردسون و هیندلانگ پایه گذاری شد و یکی از مهم ترین نظریه های بزه دیده شناسی نوین است. نظریه سبک زندگی رابطه میان رفتارها، عادات روزمره و محیط های رفت و آمد افراد با احتمال بزه دیدگی را بررسی می کند.

بر اساس این نظریه، سبک زندگی هر فرد تعیین می کند که تا چه اندازه در معرض جرم قرار گیرد. کسانی که در موقعیت های پرخطر حضور دارند (مانند رفت و آمد شبانه، روابط غیرمعمول اجتماعی، مصرف مواد یا ارتباط با افراد نابهنجار)، احتمال قربانی شدن شان بیشتر است. جرم نه صرفاً نتیجه رفتار مجرم، بلکه حاصل تعامل میان مجرم، مجنی علیه و موقعیت اجتماعی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۰؛ رسولی، ۱۴۰۰: ۲۱).

در تحلیل جرایم حدی:

✧ **حد زنا:** شیوه زندگی پرخطر مانند مجرد زیستن، معاشرت با مردان جوان، حضور شبانه در اماکن عمومی یا زندگی در شهرهای بزرگ، احتمال قربانی شدن زنان در جرایم جنسی را افزایش می دهد (شاملو و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۷؛ خانعلی پور واجارگاه، ۱۳۹۰: ۵۰).

✧ **حد قذف:** رفتار و گفتار تحریک آمیز یا ابهام برانگیز مجنی علیه می تواند فرد مقابل را به ارتکاب قذف وادارد (رستمی، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

✧ **حد سرقت:** کوتاهی در اقدامات حفاظتی مانند قفل نکردن درها، نگهداری آشکار اموال با ارزش یا رفت و آمد در محلات ناامن، شرایط وقوع جرم را فراهم می کند (کلانتری، ۱۳۹۵: ۴۲).

به طور کلی، سبک زندگی افراد می تواند در شکل گیری اندیشه مجرمانه، تحریک مجرم و افزایش احتمال قربانی شدن تأثیرگذار باشد. رفتارهای پرخطر مانند حضور در مکان ها و زمان های پرخطر،

روابط ناسالم یا پوشش نامناسب می تواند انگیزه مجرم را تقویت و احتمال قربانی شدن را افزایش دهد. پرهیز از این رفتارها می تواند احتمال مجنی علیه واقع شدن را کاهش دهد (شاهیده، ۱۳۹۳: ۴۰-۳۸).

۴-۴. نظریه فعالیت روزمره

این نظریه بیان می کند که جرم زمانی رخ می دهد که سه عنصر هم زمان فراهم باشد: نخست، مجرم انگیزه مند باشد و شرایط موجود او را به ارتکاب جرم ترغیب کند؛ دوم، وجود آماج جرم مناسب که می تواند شخص، مال یا مکان خاصی باشد؛ و سوم، نبود نظارت یا محافظ مؤثر. محافظ به هر شخص، حیوان یا شیئی اطلاق می شود که حضور مؤثر آن موجب بازدارندگی از جرم می شود (محمد نسل، ۱۳۹۶: ۳۲۹-۳۳۰). کوهن و فلسون این نظریه را در راستای تکمیل نظریه شیوه و سبک زندگی ارائه کردند. این نظریه به بررسی این پرسش می پردازد که چه عواملی تمایل به ارتکاب جرم را افزایش می دهد و موقعیت و شرایط مجنی علیه یا آماج جرم تا چه اندازه در وقوع جرم مؤثر است. بر اساس این نظریه، ارتکاب جرم و قربانی شدن مجنی علیه با طبیعت و ویژگی های زندگی روزانه انسان مرتبط است (الستی، ۱۳۸۵: ۷۲).

پیش گیری وضعی یکی از قدیمی ترین روش های مقابله با جرم است که ریشه در اقدامات ابتدایی بشر مانند ساختن دیوار و حصار دارد. این رویکرد با تمرکز بر تغییر وضعیت هایی که احتمال وقوع جرم در آن ها زیاد است، تلاش دارد ارتکاب جرم را برای مجرم دشوار، پرهزینه یا بی جاذبه کند (گسن، ۱۳۷۶: ۶۲۰-۶۲۸). بر اساس این دیدگاه، به جای تمرکز بر عوامل روانی و اجتماعی پیچیده، می توان با کاهش فرصت های ارتکاب از طریق اقدامات مادی و فیزیکی، وقوع جرم را پیشگیری کرد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۸۳). در این نوع پیش گیری، تمرکز بر شرایط و اوضاعی است که مجرم را به ارتکاب جرم سوق می دهد. این وضعیت ها که «وضعیت های پیش جنایی» خوانده می شوند، در تسهیل وقوع جرم نقش کلیدی دارند و آماج جرم یا قربانی نیز بخشی از این شرایط محسوب می شود (ندائی، ۱۴۰۳: ۶۴). در واقع، هدف اصلی پیش گیری وضعی نه اصلاح مجرم، بلکه کاهش آسیب پذیری قربانی است، به گونه ای که با سخت سازی دستیابی به آماج، هزینه جرم افزایش یابد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۷۲).

بر این اساس، نقش مردم در پیش گیری وضعی بسیار مهم است. فلسون معتقد است که مسئولیت اصلی پیش گیری نه برعهده پلیس، بلکه متوجه خود شهروندان است که باید مراقب اموال و اطرافیان خود باشند (رایحیان اصلی، ۱۳۹۰: ۳۸).

با توجه به این نظریه، مجنی علیه نقش فعال در ارتکاب جرم ندارد، اما فعالیت ها و رفتارهای روزمره او می تواند فرصت وقوع جرم را فراهم کند. در حد زنا، حضور زنان در مکان های خلوت یا بدون نظارت، معاشرت با افراد پرخطر و بی توجهی به محدودیت های اجتماعی، می تواند فرصت ارتکاب جرم جنسی را افزایش دهد؛ به عنوان مثال، رفت و آمد در شب به مکان های بدون نور یا خلوت که مجرم در آنجا امکان دسترسی پیدا کند. این نقش از دید نظریه فعالیت روزمره به معنای ایجاد هدف مناسب برای مجرم است، نه تقصیر مجنی علیه (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

در حد قذف، انتشار شایعات یا رفتارهای تحریک آمیز اجتماعی می تواند فرصت نسبت دادن اتهامات نادرست یا قذف را فراهم کند؛ به عنوان مثال، اظهارات غیرمسئولانه در جمع، ایجاد سوء تفاهم یا عدم رعایت حریم خصوصی می تواند مجرم را به ارتکاب قذف سوق دهد، در حالی که مجنی علیه می تواند با رعایت دقت و احتیاط این فرصت را کاهش دهد (رستمی، ۱۳۹۷: ۱۰۴).

تطبیق این نظریه در خصوص سرقت به این صورت است که ترک منزل یا محل کار بدون نظارت، آشکار کردن اموال با ارزش و رفت و آمد در محلات ناامن، فرصت وقوع سرقت را افزایش می دهد. به عنوان مثال، نگهداری طلا یا پول نقد در مکان های در دسترس و بدون حفاظ یا نداشتن قفل مناسب، می تواند زمینه ساز سرقت باشد. اجتناب از رفتارهای پرخطر، مانند حمل پول زیاد یا نگهداری اشیای گران قیمت در خانه، از جمله روش های مؤثر در کاهش امکان سرقت است (فیض کاشانی، ۱۳۶۰: ۲۳۰). اگر صاحب مال در حفاظت از اموال خود سهل انگاری کند و آن ها را در مکان امن قرار ندهد، حمایت جزایی کاهش می یابد؛ به عبارت دیگر، اگر مال در «حرز» مناسب نباشد، سرقت آن از حد به تعزیر تنزل پیدا می کند که نشانگر سهم تقصیر مالک در وقوع جرم است (شاهیده، ۱۳۹۳: ۷۶).

در نظریه فعالیت روزمره، پایین بودن ایمنی اموال، مجرمان بالقوه را به ارتکاب جرم ترغیب می کند (گودزری، ۱۳۷۹: ۳۳). کوهن و فلسون سه عامل ارتکاب جرم را چنین معرفی می کنند: حضور مجرم

با انگیزه، وجود آماج مناسب و نبود محافظ (پیز، ۱۳۸۳: ۲۱۵). در این دیدگاه، کاهش کنترل اجتماعی و عدم مراقبت افراد زمینه وقوع جرم را فراهم می‌کند. شرایطی مانند اشتغال زنان، خلوتی خانه‌ها و گسترش جوامع مصرفی، نرخ قربانی شدن را افزایش می‌دهد (صفاری، ۱۳۸۰: ۲۶۸). عدم مراقبت لازم از اموال، نقش مجنی علیه را در وقوع سرقت تقویت می‌کند (ندائی، ۱۴۰۳: ۶۳). با توجه به تحولات اجتماعی و گسترش بیمه‌ها که موجب کاهش مراقبت از اموال شده است، شرایط تحقق سرقت مستوجب حد کمتر فراهم می‌شود و مجازات آن به تعزیر تنزل می‌یابد، که ممکن است انگیزه ارتکاب جرم را افزایش دهد (شاهیده، ۱۳۹۳: ۷۰).

۴-۵. نظریه انتخاب عقلانی

این نظریه بر پایه دیدگاه جرم به عنوان انتخاب آگاهانه و سنجیده استوار است و توسط کلارک و مارکس فلسون مطرح شده است. بر اساس این نظریه، مجرم در محاسبه‌ی فایده و هزینه، ارتکاب جرم را برمی‌گزیند و مجنی علیه می‌تواند با احتیاط و هوشیاری، هزینه ارتکاب جرم را افزایش دهد (محمد نسل، ۱۳۹۶: ۳۳۵-۳۳۶). جرمی بن‌تام نیز معتقد است که طبق اصل حساب‌گری جزایی، فردی که تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرد، مانند فردی محاسبه‌گر، مزایا و معایب یا منافع و رنج‌هایی که ممکن است از جرم نصیبش شود را سبک و سنگین می‌کند و خود قاضی منافع خویش است. انسان مجرم، انسانی آزاد، باهوش و عقلانی است که به طور واقعی دست به محاسبه دقیق می‌زند. این عقلانیت در جرایم جنسی نیز دیده می‌شود، زیرا مجرمان بالقوه قبل از ارتکاب جرم، خطرهای احتمالی و مزایای آن را در نظر می‌گیرند و اقدام می‌کنند. به همین دلیل، برخی مجنی‌علیه‌شناسان این جرایم را در دسته‌های مخصوصی قرار می‌دهند و نقش مجنی‌علیه را در ارتکاب جرم بررسی می‌کنند (پردال، ۱۳۹۰: ۶۷).

مجرم بالقوه، به استثنای افراد دارای اختلال روانی یا عقلی، موجودی عقلانی است که میان منافع و مضار ارتکاب جرم موازنه می‌کند. طبق نظریه انتخاب عقلانی، مجرمان در بیشتر موارد با سنجش آگاهانه و بر پایه اراده آزاد، قربانی خود را انتخاب می‌کنند. آن‌ها هزینه‌هایی مانند نوع جرم، احتمال دستگیری و ویژگی‌های قربانی را تحلیل کرده و سپس تصمیم به ارتکاب جرم می‌گیرند. بنابراین،

اگرچه جرم عملی هنجارشکنانه است، اما از عقلانیت فرایندی برخوردار است (رسولی، ۱۴۰۱: ۲۳-۲۴).

این نظریه، ارتکاب جرم را نتیجه عقلانیت محدود فرد می‌داند؛ یعنی فرایند تصمیم‌گیری بر مبنای ارزیابی فرصت‌ها، منافع و هزینه‌ها صورت می‌گیرد. مجرم نه تنها زمان و مکان ارتکاب جرم را مشخص می‌کند، بلکه قربانی را نیز بر اساس شاخص‌هایی چون سهولت دسترسی و مقاومت پایین انتخاب می‌نماید (رسولی، ۱۴۰۱: ۲۴). قربانی شدن نیز تابع عواملی است که گاه به صورت آگاهانه یا ناآگاهانه به تسهیل جرم منجر می‌شوند. برای نمونه، زنانی که با پوشش تحریک‌آمیز یا تردد در معابر خلوت، امکان ارتکاب جرم را فراهم می‌کنند، خطر بزه‌دیدگی خود را افزایش می‌دهند.

مطالعات نشان می‌دهد مجرمان در جرایم جنسی بر اساس عواملی چون نزدیکی مکانی، جذابیت جسمی، میزان مقاومت احتمالی و پیشینه‌آشنایی با قربانی تصمیم می‌گیرند (دیوید، ۱۳۷۱: ۲۲۵-۲۲۶). همچنین، برخی تمایلات درونی و کشش‌های روانی - اعم از آگاهانه یا ناخودآگاه - میان زنان و مردان، نقش تسهیل‌گر در وقوع تعرض دارند. نمونه‌هایی مانند دوستی با پسران یا قدم‌زدن در مکان‌های خلوت، از مصادیق رفتارهای تسهیل‌کننده به شمار می‌آیند (دیوید، ۱۳۷۱: ۲۲۶).

تحقیقات نشان می‌دهد که بیش از دو سوم جرایم جنسی توسط افراد آشنا (دوستان، نزدیکان و...) و یک‌سوم آن توسط افراد ناشناس رخ می‌دهد (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳: ۹۱). یافته‌های تحقیقی در تهران نیز نشان می‌دهد دختران و زنان جوان بیش از سایرین قربانی آزارهای جنسی می‌شوند و عواملی مانند بی‌احتیاطی فردی، ناکارآمدی قوانین حمایتی، نبود آموزش دفاع شخصی، فقر، بیکاری و محیط شهری ناایمن در این امر نقش دارند (صادقی و فسایی، ۱۳۹۰: ۳۵). شافر قربانیان را بر اساس میزان مسئولیتشان به هفت دسته تقسیم کرده است. در جرایم جنسی، قربانیان را می‌توان به دو دسته «محرک» و «پیش‌قدم» تقسیم کرد؛ محرک‌ها با رفتارهای تحریک‌آمیز ناخودآگاه توجه مجرم را جلب می‌کنند و پیش‌قدم‌ها آگاهانه و عمدانه با گفتار یا پوشش خاص، در وقوع جرم نقش دارند (رایحیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱۸).

لذا در چارچوب این نظریه، مجنی علیه در وقوع جرم نقش غیرمستقیم دارد و بی احتیاطی او می تواند هزینه ارتکاب جرم را برای مجرم کاهش دهد. به عنوان مثال، در حد زنا، عدم رعایت محدودیت های اجتماعی یا حضور در مکان های خلوت می تواند فرصت و انگیزه مجرم را افزایش دهد، زیرا مجرم با بررسی شرایط، میزان دسترسی و احتمال شناسایی، تصمیم به ارتکاب جرم می گیرد. در حد قذف، مجنی علیه با رفتارهای تحریک آمیز، انتشار اطلاعات نادرست یا عدم مراقبت در گفتار و ارتباطات، فرصت ایجاد اتهام یا شایعه را فراهم می کند. در حد سرقت نیز، مجنی علیه با بی احتیاطی در محافظت از اموال، ترک خانه بدون قفل یا آشکار کردن دارایی ها، هزینه ارتکاب جرم را برای مجرم کاهش می دهد (فرج الهی، ۱۳۹۵: ۴۵).

۴-۶. نظریه مجنی علیه قرار گرفتن متقابل

این نظریه توسط مارتین فیلمدن ارائه شده است. بر اساس این دیدگاه، میان مجرم و مجنی علیه رابطه ای دوطرفه برقرار است و هر دو در فرآیند وقوع جرم تأثیرگذارند. مجنی علیه بر اساس این نظریه نقش مستقیم در وقوع جرم دارد؛ به عنوان مثال، در حد زنا، ممکن است هر دو طرف در عمل نامشروع نقش داشته باشند، زیرا تحقق حد زنا ماهیتاً مبتنی بر رضایت است. در حد قذف نیز، تبادل توهین و افترا میان طرفین ممکن است رخ دهد و در سرقت، همکاری یا بی احتیاطی اولیه مجنی علیه می تواند وقوع جرم را تسهیل کند (فرج الهی، ۱۳۹۵: ۵۶).

۵. نتیجه گیری

تحقیق حاضر با تمرکز بر جایگاه نقش مجنی علیه در فرآیند وقوع جرایم مستوجب حد، از جمله حد زنا، قذف و سرقت، نشان داد که مجنی علیه تنها یک عنصر منفعل و قربانی مطلق نیست، بلکه در بسیاری از موارد نقش فعال و گاه مؤثر در شکل گیری جرم ایفا می کند. بررسی نظریه های علمی مانند نظریه مجنی علیه شناسی، نظریه سبک زندگی، نظریه انتخاب عقلانی، نظریه فعالیت روزمره، نظریه تعامل متقابل و... همگی مؤید این هستند که شیوه زندگی، رفتارها، ویژگی های فردی و حتی شرایط اجتماعی و اقتصادی مجنی علیه می تواند خطر قربانی شدن را افزایش دهد و در انتخاب وی توسط مجرم نقش ایفا کند.

در جرم زنا، مشارکت آگاهانه یا ناآگاهانه زنان از طریق رفتارها، پوشش، روابط و شرایط محیطی، گاه تسهیل کننده وقوع جرم است. این موضوع نه از منظر تبرئه مجرم، بلکه از منظر تحلیل سهم مجنی علیه در وقوع جرم حائز اهمیت است. نظریه‌هایی مانند دیدگاه شافر و تقسیم‌بندی وی، همچنین تحلیل‌های فقهی، مؤید این نکته‌اند که رفتارهای محرک، ارتباطات ناسالم و فقدان احتیاط ممکن است مجنی علیه را در دسته «محرک» یا «پیش‌قدم» قرار دهد.

در حد قذف، شخصیت، شهرت و رفتارهای قبلی مجنی علیه نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق یا سقوط حد دارد. چنانچه مجنی علیه فاقد عفت یا اعتبار اجتماعی باشد، مجازات قاذف تغییر یا کاهش می‌یابد. بنابراین، مجنی علیه در این نوع جرم نیز نه تنها نقش منفعل ندارد، بلکه ویژگی‌های او یکی از شرایط اصلی اجرای حد محسوب می‌شود. همچنین، اگر مجنی علیه با گفتار یا تحریک، عامل ارتکاب قذف شود، امکان تخفیف یا معافیت مجازات برای قاذف وجود دارد. از منظر شریعت اسلامی، نقش مجنی علیه در تطبیق حد سرقت بی‌تأثیر است و قاذف مستحق حد می‌باشد، اما از منظر جرم‌شناسی، همان‌طور که بیان شد، مجنی علیه نقش مستقیم و غیرمستقیمی در قربانی شدن خود دارد. از نظر حقوقی نیز، در مجازات تعزیری قذف، نقش مجنی علیه تأثیرگذار است.

در حد سرقت، نقش مجنی علیه از جهات مختلف قابل تحلیل است. بی‌احتیاطی در نگهداری اموال، ترک اقدامات محافظتی و قرار دادن مال در معرض جرم، عواملی هستند که در کنار نیت مجرم می‌توانند در وقوع سرقت مؤثر باشند. نظریه پیش‌گیری وضعی به وضوح تأکید دارد که از طریق افزایش هزینه ارتکاب جرم، کاهش فرصت‌ها و سخت‌سازی شرایط برای مجرم، می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد. در این میان، مجنی علیه با رعایت یا عدم رعایت اصول ایمنی، نقش مهمی در تحقق یا جلوگیری از این جرم ایفا می‌کند. حتی در کد جزای پیشین افغانستان آمده است که در مواردی که مال در حرز مناسب نگهداری نشده باشد، مجازات سرقت از حد به تعزیر کاهش می‌یابد، که خود بیان‌گر پذیرش مسئولیت نسبی مجنی علیه است و این حکم در شریعت اسلامی نیز پابرجاست.

با توجه به مباحث فوق، مجنی علیه در تمامی جرایم از منظر جرم‌شناسی نقش مستقیم و غیرمستقیم دارد. در این مقاله، تمرکز صرفاً بر حد زنا، قذف و سرقت بوده و نشان داده شد که نقش مجنی علیه در وقوع این جرایم مؤثر است. بنابراین، بی‌احتیاطی، بی‌مبالائی و تحریک مجنی علیه می‌تواند سبب عدم تکمیل شرایط جرایم مستوجب حد گردد؛ در این صورت، حد ساقط و مرتکب به تعزیر محکوم می‌شود.

سرچشمه‌ها

الف) کتب:

- ۱) ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیش‌گیری. جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۲) ابیراهمسن، دیوید. (۱۳۷۱). روان‌شناسی کیفری. ترجمه پرویز صانعی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- ۳) پرادل، ژان. (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه‌های کیفری. ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات سمت.
- ۴) جعفری‌لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۸۵). ترمینولوژی حقوق. تهران، گنج دانش.
- ۵) خانعلی پور واجارگاه، سکینه. (۱۳۹۰). پیش‌گیری فنی از جرم. تهران، نشر میزان، چاپ اول.
- ۶) دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی‌جا.
- ۷) رایحیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). بزه‌دیده در فرآیند کیفری. چاپ اول، تهران، انتشارات خط سوم.
- ۸) رستمی، احمد. (۱۳۹۷). بزه‌دیده‌شناسی و نظام عدالت کیفری ایران. تهران، سمت.
- ۹) الزحیلی. وهبه. (۱۹۹۸). الفقه‌الاسلامی و ادلته. جلد ۶، دمشق، دارالفکر.
- ۱۰) شاهپیده، فرهاد. (۱۳۹۳). نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و تعیین کیفر، تهران، مجد.
- ۱۱) عمید، حسن. (۱۳۷۹). فرهنگ عمید، چاپ هجدهم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲) عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۰). جرایم علیه آسایش عمومی. جلد ۴، مترجم: حسن فرهودی‌نیا، تهران، نشر یاد آوران.
- ۱۳) عوده، عبدالقادر. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی (حقوق جزای عمومی). جلد اول، مترجم: حسن فرهودی‌نیا، تهران، نشر احسان.
- ۱۴) فرج‌اللهی، رضا. (۱۳۹۵). بزه‌دیده‌شناسی نوین. تهران، میزان.
- ۱۵) فیض، علی‌رضا. (۱۳۶۸). مقارنه و تطبیق در حقوق جزایی عمومی اسلام. تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۱۶) قریشی، سید علی‌اکبر. (۱۴۱۲). قاموس القرآن، تهران، بی‌نا.
- ۱۷) کلانتری، رضا. (۱۳۹۵). پیش‌گیری از بزه‌دیدگی؛ رویکردی نوین در سیاست جنایی، تهران، انتشارات میزان.
- ۱۸) محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۰). قواعد فقه (بخش جزایی). چاپ نوزدهم، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
- ۱۹) محمد نسل، غلام‌رضا. (۱۳۹۶). جرم‌شناسی عمومی. چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.

- ۲۰) معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات ساحل.
- ۲۱) منصوری، انارگل، طاهری، غلام یحیی. (۱۳۹۸). حقوق جزای اختصاصی ۲، کابل، بنیاد آسیا.
- ۲۲) ندیر، داد محمد. (۱۳۸۹). حقوق جزای اختصاصی اسلام. چاپ دوم. شهرنو کابل، انتشارات رسالت.

(ب) مقالات:

- ۲۳) پیز، کن، (۱۳۸۳). جایگاه پیش گیری نخستین از جرم در انگلستان. ترجمه مهدی صبوری پور، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷.
- ۲۴) حسینی، سید محمد. (۱۳۸۷). حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع و احکام). فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸ شماره ۱.
- ۲۵) حکیمی، محمد حسین. (۱۳۹۰). فلسفه مجازات‌ها با تأکید بر فلسفه مجازات قصاص در اسلام. فصل‌نامه‌ی علمی - پژوهشی، شماره ۱۳.
- ۲۶) رمضان نرگسی، رضا. (۱۳۸۳). تجاوز و بزه‌دیده‌گی زنان. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ششم، شماره ۲۳.
- ۲۷) السّتی، ساناز و حسن پور، معصومه. (۱۳۸۵). بزه‌دیده شناسی و پیش گیری از بزه دیدگی. ماهنامه دادرسی، سال دهم، شماره ۱۱.
- ۲۸) شاهیده، فرهاد، جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا. (۱۳۹۳). نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرایم جنسی با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران. پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره هفتم.
- ۲۹) شاهیده، فرهاد. (۱۳۹۷). نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم سرقت و تعیین کیفر آن. فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری، شماره ۱۷.
- ۳۰) شاملو و همکاران، حمید رضا. (۱۴۰۲). نقش بزه‌دیده در زناي همراه با اغوا و فریب از منظر فقه و حقوق در پرتو بزه‌دیده شناسی علمی. فصلنامه فقه جزایی تطبیقی، دوره سوم، شماره چهارم.
- ۳۱) صادقی فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۰). قربانی شناسی. راهی به سوی افزایش احساس امنیت اجتماعی. فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، ویژه‌نامه.
- ۳۲) صفاری، علی. (۱۳۸۰). مبانی نظری پیش گیری از وقوع جرم. مجله تحقیقات حقوقی. دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۳-۳۴.
- ۳۳) عباچی، مریم. (بی‌تا). پیش گیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستر، شماره ۴۷.
- ۳۴) گسن، ریمون. (۱۳۷۶). روابط میان پیش گیری وضعی و کنترل جرم. ترجمه نجفی ابرند آبادی، علی حسین، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۰-۱۹.

۳۵) گودرزی، محمد رضا. (۱۳۷۹). بزه‌دیده شناسی (پیدایش تحول دیدگاه های نوین). نشریه امنیت، شماره ۱۸-۱۷.

۳۶) میر خلیلی، سید محمود. (۱۳۸۵). بزه‌دیده شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام. مجله فقه و حقوق. سال سوم، شماره ۱۱.

۳۷) نجفی ابرند آبادی، علی حسین و دیگران. (۱۳۸۴). عدالت برای بزه‌دیدگان. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳-۵۲.

۳۸) نجفی ابرند آبادی، علی حسین. (۱۳۸۶-۸۷). تقریرات درس جرم شناسی. بزه‌دیده شناسی علت شناختی. قابل دسترس در: <http://www.lawtest.ir>.

ج) قوانین:

۳۹) کد جزای افغانستان، وزارت عدلیه، مطبوعه دولتی، منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۶۰)، مصوب ۱۳۹۶.